موردی از ابتلا به کرونا در ایران مشاهده نشده است

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت با تکذیب مرگ زن میانسال مشکوک به کرونا در یکی از بیمارستان‌های خصوصی تهران تاکید کرد تا روز چهارشنبه ۲۳ بهمن، هنوز موردی از ابتلا به کرونا ویروس در ایران مشاهده نشده است.

دکتر کیانوش جهانپور در گفت‌وگو با ایسنا درباره دانشجویان بازگشته از ووهان چین که اکنون در قرنطینه به سر می‌برند نیز گفت: تمام این دانشجویان در سلامت کامل به سر می‌برند و به قطعیت می‌توان گفت هنوز ویروس کرونا به ایران وارد نشده است.

جهانپور همچنین درباره نتیجه تست اولیه کرونا روی دانشجویانی که از ووهان چین به ایران بازگشتند نیز به ایسنا گفت: تست کرونای دانشجویان منفی بوده و همه آنها در سلامت کامل به سر می‌برند، اما در عین حال طبق نظر کمیته فنی و پروتکل‌های بین‌المللی مدت ۱۴ روزه قرنطینه باید طی شود.

پشت صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با مردی که به خاطر سوءظن دوستش را کشت

از مربیگری بدنسازی تا زندگی کنار قاتلان

معصومه ملکی
گروه حوادث

فرشید ۳۸ ساله مربی بود و باشگاه بدنسازی داشت. لیسانس تربیت بدنی دارد. او به اتهام قتل یکی از دوستانش در یکی از محله‌های تهران بازداشت شده است. اما بعد از چند ماه کارشناسان پزشکی قانونی نظر دادند که ضربه او به بدن مقتول کشنده نبوده و عوامل مختلفی در مرگ او نقش داشتند. حالا وی از کابوس مجازات قصاص نجات یافته و در برابر اتهام قتل غیرعمد قرار گرفته است. این هفته در پشت صحنه یك جنایت به بررسی این جنایت پرداخته و با قاتل گفت‌وگو کردیم.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه ۲۵ آبان امسال بود که درگیری خونینی در محله افسریه پایتخت به پلیس و بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند معلوم شد مردی در آنجا زخمی شده و به بیمارستان انتقال یافته و عامل درگیری هم از محل فرار کرده است.

ماموران به تحقیقات در این باره دست زدند که معلوم شد مرد جوان بر اثر شدت خونریزی در بیمارستان فوت کرده است. همچنین معلوم شد که با چاقو ضربه‌ای به ساق پای او وارد شده بود. با مرگ مرد جوان، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. ماموران در تحقیقات محلی متوجه شدند مردی که مربی باشگاه ورزشی بوده در این ماجرا نقش داشته است. بنابراین او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. این در حالی بود که ماموران برای شناسایی قاتل فراری از خانواده مقتول خواستند که مراسم سوگواری خود را در مکان دیگری برگزار کنند و بنر و اعلامیه‌ای که درباره مرگ فرزندشان است را روی در و دیوار محله نصب نکنند تا شاید متهم به قتل فراری آفتابی شود. پلیس در جست‌وجوی متهم به قتل فراری بود تا این‌که او مدتی بعد در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد. او در جریان تحقیقات پلیسی مدعی شد که قصد قتل نداشته و فقط می‌خواسته آن مرد را بترساند. حتی گمان می‌کرده با ضربه‌ای که سمت وی پرت کرده است او زخمی شده و فکر نمی‌کرده آن مرد فوت کند. تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که بعد از چند ماه از این ماجرا سرانجام کارشناسان پزشکی قانونی نظر دادند ضربه‌ای که این متهم به ساق پای مرد میانسال زده کشنده نبوده و عوامل دیگری هم در ماجرای مرگ آن مرد نقش داشته است. بنابراین فرشید از اتهام قتل عمد خلاصی یافت و اکنون در برابر اتهام قتل غیر عمد قرارگرفته و به زودی قراراست به خاطر اتهام جدیدش در دادگاه محاکمه شود.

جنایت‌هایی با رنگ سوءظن

محمدتقی شعبانی
بازپرس جنایی

در این پرونده جوانی ورزشکار و تحصیلکرده که پدر یك خانواده بوده به دلیل مشکلات و اختلاف‌هایی که میان او و همسرش رخ داده، برای حل مشکلات و پایان دادن به سوءظن، راه خطایی را پیموده است. او معتاد به شیشه شده که همین باعث تغییر در زندگی و آینده‌اش شده است. او تحت تاثیر مصرف شیشه دچار توهم شده و گمان می‌کرده همسرش و دوست او در حال خیانت کردن به وی هستند که هیچ‌گاه در تحقیقات این موضوع به تایید نرسید. او زندگی خود را دستخوش افکار منفی کرد که پایه و اساس درستی نداشت. به جای این‌که از مشاوران خانواده یا افراد بزرگ‌تر در میان اعضای دو خانواده برای حل اختلاف و درگیری‌های زندگی‌اش کمك بگیرد، تصمیم‌های عجولانه گرفت و باعث شکست دوباره در زندگی‌اش شد. از سوی دیگر اعتیاد او به شیشه باعث شد به درستی نتواند روی رفتار خود و تصمیم‌هایی که در زندگی می‌گیرد کنترل مناسبی داشته باشد. حل نکردن مشکلات پیش آمده میان او و دوست صمیمی‌اش باعث شد نسبت به او سوءظن پیدا کند و ناخواسته جان او را بگیرد و خودش گرفتار زندان شود. در این پرونده کارشناسان پزشکی قانونی نظر دادند ضربه‌ای که متهم در دعوا به بدن دوستش وارد کرده عامل اصلی در مرگ او نبوده است. بنابراین وی از اتهام قتل عمد فاصله گرفت و حکم قصاص نمی‌گیرد. او اکنون در برابر اتهام قتل غیرعمد قرار گرفته است. از افراد می‌خواهیم برخشم خود غلبه کنند، مهارت‌های شخصی و خانوادگی را خود را تقویت کنند تا در صورت بروز مشکلات بتوانند آن را حل کنند و شاهد حوادث تلخ این چنینی نباشیم. از اعتیاد دوری کنند، چراکه اعتیاد به شیشه می‌تواند افراد را به سمت سقوط اخلاقی ببرد و زندگی‌شان را به ورطه نابودی بکشاند. خانواده‌ها باید بدانند سوءظن آغازگر از هم پاشیدگی خانوادگی و گرفتار شدن در ارتکاب انواع جرایم است، از این رفتارها اجتناب کنند تا دچار اتفاقات غیرقابل جبران نشوند.

> مربی بدنسازی به‌خاطر سوءظن دوستش را هدف ضربه چاقو قرار داد و خود را در یک‌قدمی مرگ می‌دید اما گزارش پزشکی قانونی او را از مجازات قصاص نجات داد

به خاطر سوءظن، معتاد شدم

فرشید، زمانی که از زندان به دادسرا منتقل شده بود، حال و روز خوبی نداشت و فکر می‌کرد امروز دیگر به او می‌گویند حکم قصاص می‌گیری. با قدم‌های لرزان وارد اتاق بازپرسی شد. اما ساعاتی بعد که از آنجا بیرون آمد، دنیا برایش رنگ و بوی دیگری پیدا کرده بود. او به پهنای صورت اشك می‌ریخت، اما این بار شادی و امید در دلش زنده شده بود. او در گفت‌وگو با جام جم از انگیزه‌اش برای قتل و حال و هوای زندان گفت که در ادامه می‌خوانید.

چه کاره‌ای؟

مربی باشگاه ورزشی‌ام و در زمینه بدنسازی و پاورلیفتینگ فعالیت دارم و شاگردان زیادی را در این رشته تربیت کردم. احکام قهرمانی استانی و کشوری در زمینه بدنسازی و پاورلیفتینگ دارم.

مقتول را می‌شناختی؟

او را یکی از دوستانم که موبایل فروشی داشت با من آشنا کرد و با هم دوست شدیم.

چرا او را زدی؟

حس می‌کردم با همسرم ارتباط دارد.

با همسرت چطور آشنا شدی؟

همسرم ورزشکار و عضو سابق تیم ملی شمشیربازی بود. هفته‌ای سه مرتبه برای تمرین و آموزش بدنسازی به فدراسیون می‌رفتم که در آنجا موقع برگشت برخی ورزشکاران را سوار خودرویم می‌کردم و تا مسیری آنها را می‌رساندم که همسرم نیز در میان آن ورزشکاران بود. بعد از این رفت و آمدها بود که به هم علاقه‌مند شده و با مهریه ۱۴ سکه‌ای با من ازدواج کرد.

با هم اختلاف داشتید؟

اختلافمان از وقتی شروع شد که به رفتار او و دوستم مشکوك شدم. هر بار به خانه پدری‌اش می‌رفت تلفن همراهش را خاموش می‌کرد. بعد از مدتی متوجه شدم سیمکارت جدیدی گرفته و دور از چشمم عضو کانال‌های تلگرامی شده است. من هم سیمکارتی گرفتم و به عنوان فرد ناشناس عضو کانال‌های تلگرامی او شدم. باورم نمی‌شد هر کانالی که او عضو می‌شد مردی که دوست صمیمی‌ام بود نیز عضو بود. حتی همسرم در تلگرامش عکس‌های سلفی از یك خانه و خودروی گرانقیمت گذاشته بود. می‌گفت خانه و خودرو متعلق به عمویش است که دروغ گفته بود. خودرو شبیه خودروی دوستم بود. گمان می‌کردم هردو به من خیانت کرده‌اند. سراغ دوستم رفتم که او مدعی شد من اشتباه می‌کنم و دچار سوءظن شدم. سرانجام همین شك مرا به زندان انداخت و باعث مرگ دوستم شد.

اعتیاد داری؟

به خاطر همین سوءظن‌ها و اختلاف‌های خانوادگی معتاد به شیشه شدم.

از شب قتل بگو.

چند روز قبل از آن با دوستم دعوایم شد و کارمان به زد و خورد کشید. او را عامل اعتیاد و از هم پاشیدگی زندگی‌ام می‌دانستم. آن شب با او در محله افسریه قرار گذاشتم که آنجا آمد. چاقو داشت و با هم درگیر شدیم در ادامه پایش به لبه جوی آب گیر کرد و زمین افتاد، چاقو را برداشتم و به ساق پایش زدم که زخمی شد و فرار کردم. بعد از زخمی شدنش به زمین خورده و دوباره چاقو به بدنش خورده و بعد هم در بیمارستان فوت کرده بود.

اولین روز زندان؟

خیلی سخت بود و روزهای بعد از آن سخت‌تر هم شد. به سالنی از زندان منتقل شدم که با خودم ۶۵ نفر زندانی داشت. اکثر آنها اتهامشان قتل یا تجاوز بود. برخی زیر تیغ بودند و برخی منتظر محاکمه و قصاص. برخی امید به بخشش داشته و تعدادی امیدشان را از دست داده و منتظر روز اجرای حکم بودند.

در زندان چه می‌کردی؟

زندانی‌ها می‌گفتند اگر خودم را تا روز محاکمه مشغول نکنم از غصه می‌میرم. وجود بچه‌ام مرا به زندگی امیدوار می‌کرد. برای این‌که امیدم را از دست ندهم، خواندن قرآن و کتاب‌های حقوقی را آغاز کردم. اعتیادم را در زندان ترك کردم و با کیسه‌های گچ وسایل بدنسازی درست کرده و تمرین می‌کردم. همچنین با تکه‌های پارچه، دم‌کنی درست می‌کردم.

به قصاص فکر می‌کردی؟

خیلی. به خصوص وقتی شاهد اجرای حکم قصاص چند نفر از هم‌بندی‌هایم بودم. امیدی به رهایی از قصاص نداشتم. چند روز پیش برای آخرین جلسه بازپرسی از زندان به دادسرای جنایی آمدم که بازپرس پرونده به من گفت کارشناسان پزشکی قانونی در گزارش بررسی علت مرگ دوستم نظر دادند که عوامل دیگری در مرگ او نقش داشته و ضربه‌ای که من به ساق پای او زدم، کشنده نبوده و اتهام قتل عمدم به قتل غیرعمد تغییر پیدا کرده است.

چه احساسی داشتی؟

برای چند دقیقه میخکوب روی صندلی نشستم و فقط گریه می‌کردم. چند بار از بازپرس سؤال کردم، قصاص نمی‌شوم، انگار معجزه شده و خدا صدایم را شنیده بود.

مرگ تلخ ۲ کوهنورد در ارتفاعات عظیمیه

سه کوهنورد که به یال شرقی کوه‌های عظیمیه کرج رفته بودند، گرفتار حادثه شده و ۲ نفر از آنها جان باختند. با تلاش امدادگران هلال احمر سومین کوهنورد زنده ماند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد چهارشنبه -دیروز- مرد میانسالی در حالی که صدایش می‌لرزید، در تماس با امداد و نجات هلال احمر درخواست کمك کرد. این مرد و دو نفر همراهش در یال شرقی کوه‌های عظیمیه گرفتار شده بودند. بی حرکتی دو همراهش باعث وحشت او شده بود و احتمال می‌داد حادثه تلخ برای آنها رقم خورده باشد. پس از شناسایی محل حادثه، یك تیم از امدادگران هلال احمر کرج راهی آنجا شده و ساعت ۲ بامداد به چادر سه کوهنورد رسیدند. یکی از کوهنوردان که با امدادگران تماس گرفته بود، هنوز زنده بود، اما دو کوهنورد دیگر جان باخته بودند.

رئیس جمعیت هلال احمر کرج در این باره به جام جم گفت: پس از حضور تیم امدادی تنها بازمانده این گروه کوهنورد به امدادگران عنوان کرد، شامگاه دوشنبه به این منطقه آمده و چادر زده بودند. سه‌شنبه‌شب قصد داشتند به پایین برگردند که به خاطر وجود مه در منطقه منصرف شده و در چادر مانده بودند. این مرد ۳۶ ساله در ادامه متوجه بی‌حرکتی دو همراهش شده و درخواست کمك کرده بود.

فتح‌ا... هاشمی‌نژاد افزود: دو احتمال درباره مرگ دو کوهنورد وجود دارد. احتمال اول سرمازدگی است. احتمال دوم هم با توجه به وجود زغال در چادر آنها گازگرفتگی است. پیکر ۲ کوهنورد به پزشکی قانونی منتقل شده و علت مرگ آنها توسط نهادهای دیگر اعلام می‌شود. مرد جوان هم پس از انتقال به پایین کوه تحویل امدادگران اورژانس شد.

خودکشی مادر بعد از قتل ۲ فرزند

زن جوان بعد از قتل دو کودکش در یکی از محله‌های شیراز به زندگی‌اش پایان داد.

به گزارش جام جم، عصر دوشنبه -۲۱ بهمن- ماموران پلیس شیراز در جریان جنایتی هولناك در خیابان شمس این شهر قرار گرفتند. جسد زن جوانی و دو فرزندش در خانه شان پیدا شد که بررسی‌های اولیه حکایت از قتل آنها داشت. بررسی‌ها نشان داد، دختر هشت ساله و پسر ۱۲ ساله بر اثر اصابت جسمی سخت به سرشان به طرز دلخراشی به قتل رسیده‌اند. همچنین شالی به دور گردن مادر خانواده گره خورده و باعث مرگ او شده است.

پدر خانواده در زمان قتل در مسافرت به سر می‌برد و بی اطلاعی او از همسر و دو فرزندش باعث شك او به ماجرا شده است.

تیم جنایی به بررسی محل قتل پرداخت و هیچ آثاری از ورود به زور به داخل خانه و سرقت پیدا نکردند. همچنین بررسی نحوه گره شال به دور گردن زن جوان نشان داد، او خود را خفه کرده است. همچنین داروهای اعصاب و روان در خانه پیدا شد که این موضوع احتمال قتل دو کودك توسط مادر و خودکشی قاتل را مطرح کرد.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس در این باره به جام جم گفت: مادر خانواده به علت مشکلات مالی، روحی و روانی و جنون آنی، پس از کشتن دختر و پسر ۸ و ۱۲ ساله با یك شی، خود را خفه و به زندگی‌اش پایان داده است.

ماجرای مرگ فرزند دادستان بوشهر

جسد فرزند ۲۱ ساله دادستان دادسرای عمومی و انقلاب بوشهر در اتاقش پیدا شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان بوشهر، جسد فرزند ۲۱ ساله علی حسن‌پور، دادستان شهرستان بوشهر ساعت ۸ شب، سه شنبه در یکی از اتاق‌های خانه شان در شهر بوشهر و در حالی که یك قبضه سلاح شکاری در کنار جسد وی قرار داشت، مشاهده شد.

این موضوع سریع بر اساس روال قانونی و جاری صحنه توسط مقام قضایی و پلیس آگاهی تحت بررسی قرار گرفت که نتیجه بررسی و علت مرگ اطلاع‌رسانی می‌شود.

تلنگر

تبرئه مرد جوان از اتهام قتل همسرش

راننده خاور که از حدود چهار سال قبل متهم به قتل همسر جوانش از طریق پرتاب او از خودرویش شده بود، در دادگاه از اتهام قتل تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲۴ خرداد ۹۴ رسیدگی به پرونده قتل زن جوان با فوت او در یکی از بیمارستان‌های پاکدشت در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت.

تحقیقات نشان می‌داد، زن جوان با پرتاب از خودروی خاور همسرش، جان خود را از دست داده است و همسر آن زن به نام احمد در توضیح به ماموران پلیس گفت: در ماشین بودیم که با همسرم جر و بحثمان شد و یکدفعه او در ماشین را باز کرد و در حالی که من با سرعت زیاد در حال راندن بودم، خودش را به بیرون از ماشین پرتاب کرد.

اما مادر زن جوان به نام منیژه از داماد خود به اتهام قتل دخترش شکایت کرد و گفت: شب حادثه منیژه و احمد با هم در خانه ما بحث‌شان شد. قرار بود آنها شب را خانه ما بمانند اما احمد، زن و فرزندش را مجبور کرد که همراه او به خانه‌شان برگردند. احمد چند بار دخترم را تهدید به مرگ کرد. حتی وقتی داشتند سوار ماشین می‌شدند، از پنجره آنها را نگاه می‌کردم و شنیدم احمد به دخترم گفت امشب تکلیفت را روشن می‌کنم.

با شکایت مادر منیژه، احمد بار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت و ادعا کرد، شاید در خودرو خراب بوده، اما کارشناسان سلامت در را تایید کردند.

علاوه بر این، فرزند خردسال احمد در تحقیقات به ماموران گفت: آن شب پدرم به مادرم سیلی زد و او از پنجره خودرو به بیرون پرتاب شد.

به این ترتیب پرونده با صدور کیفرخواست علیه احمد با اتهام قتل به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و متهم در دفاع از خود، اتهام را انکار کرد. قضات با توجه به محتویات پرونده رای قصاص صادر کردند و رای صادر شده از سوی دیوانعالی کشور با ایراد نقص در تحقیقات نقض شد.

هفته گذشته متهم بار دیگر در شعبه دهم دادگاه محاکمه شد. در ابتدای جلسه رسیدگی، وکیل اولیای دم گفت: موکلانم یعنی پدر و مادر مقتول از جانب خود و فرزند صغیر مقتول تقاضای قصاص متهم را دارند.

سپس متهم در جایگاه دفاع حاضر شد و گفت: اتهامم را قبول ندارم. من و منیژه از اول ازدواج همیشه با هم اختلاف داشتیم. او شب عروسی‌مان به من دروغ‌هایی گفته بود که همان باعث اختلاف ما شده بود. شب حادثه باز با هم بحثمان شد. من نفهمیدم منیژه چه موقع در ماشین را باز و خودش را بیرون پرت کرد. همان موقع روی ترمز زدم و ماشین را وسط اتوبان نگه داشتم و همسرم را با کمك یك رهگذر به داخل ماشینم آوردم. حتی برای نجات جان او منتظر اورژانس هم نماندم.

قضات دادگاه با تاکید بر این موضوع که کارشناس جنایی در روند رفع نقص پرونده نظریات خود را ارائه داده است، بعد از شنیدن دفاعیات متهم، او را از اتهام قتل تبرئه کردند. به این ترتیب احمد با رای دادگاه بعد از چهار سال از زندان آزاد شد.

خودکشی به خاطر مرگ رفیق

پسر ۱۹ ساله که تحمل مرگ دوستش را نداشت، چهل روز بعد از مرگ او به زندگی‌اش پایان داد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۶ و ۱۵ دقیقه ۲۱ بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری باغ‌فیض با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوك پسر ۱۹ ساله‌ای در خانه‌ای در غرب تهران خبر داد. بررسی‌های اولیه نشان داد که پسر جوان با شلوار مردانه خود را در اتاق حلق‌آویز کرده و زمانی کوتاه از مرگش می‌گذرد.

در بررسی گوشی تلفن همراه او متن ثبت‌شده‌ای یافتند که در آن نوشته شده بود «لعنت به این دنیا، دوست عزیزم دیگر تنهایت نمی‌گذارم و می‌آیم پیش تو.» ماموران در ادامه تحقیقات متوجه شدند که ۴۰ روز پیش پسر جوان، دوست صمیمی‌اش را بر اثر حادثه‌ای از دست داده است. بعد از مرگ او حال وی نیز خوب نبوده و برای رسیدن به دوستش این چنین به زندگی‌اش پایان داده است.